

عوامل رواني تکفير

عوامل رواني تکفير

مرتضي آقا محمدي

دانشجوی دکتری شیعه شناسی-دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

تمایل به خشونت، حس قیام به زدودن منکرات از جامعه، انحصارگرایی، اقتدار گرایی، جذابیت تکفیر به لحاظ مبرریت آن، واکسینه کردن خودیها، حذف رقیبان، توجیه عقب ماندگیها و ارضای روحیه جهادگری، پای فشاری بر عقاید خود، تعصبات قومی و عربی، نوع تلقی اهل سنت از پیامبر (ص) و صحابه، ماجراجویی و جبران مافات، اینها همه عوامل رواني هستند که برخی از مسلمانان افراطی را به تکفیر دیگران وامی دارند. این نوشته بر آن است تا هر کدام از این عوامل را مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

کلید واژه ها:

عوامل رواني، تکفیر، انحصار گرایی، اقتدار گرایی، قبیله گرایی

تکفیر یکی از مشکلاتی است که از قرن اول دامنگیر مسلمانان و جهان اسلام شد و سبب بروز جنگهای بسیار و کشتارها و غارت‌های فاجعه باری در میان مسلمانان و تفرقه و تشدد صفوف آنان گردید. به جرات می‌توان گفت که در آموزه‌های فقه کلامی و روانی و نیز تجربیات تاریخی شیعه، تمایل به چنین اقدامی دیده نمی‌شود. مسئله تکفیر و علل پیدایش آن را می‌توان از ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز دیگر جهات مورد مطالعه قرار داد. یک دسته از این عوامل، انگیزه‌های روانی و بسترهای اجتماعی افرادی است که دست به تکفیر دیگران می‌زنند.

برخی عوامل روانی سبب می‌شوند تا کسانی گروه و جماعتی از مسلمانان را تکفیر نمایند و نیز برخی عوامل روانی در جامعه مخاطب، موجب پذیرش چنین اقدامی می‌گردد. در این نوشته تلاش بر این است که این عوامل روانی و ذهنی دخیل در مسئله تکفیر، به طور استقرائی مورد مطالعه قرار گیرند.

تعریف تکفیر:

به زبانی ساده می‌توان تکفیر را چنین تعریف کرد:

«نسبت دادن کفر به مسلمان یا اهل قبله»^[1]

عوامل روانی تکفیر در بین اهل سنت:

1- تمایل به خشونت:

برخی افراد به دلایل مختلف از جمله شرایط سختی که در آن تربیت شده‌اند و مشکلاتی که با آن مواجه بوده‌اند و رنج‌هایی که متحمل شده‌اند دارای شخصیتی خشن و جرم‌گرا هستند. به عنوان نمونه می‌توان از ابومصعب زرقاوی یاد کرد. او در اوایل مسیر زندگی پدر را از دست می‌دهد و به بزه و مواد مخدر روی می‌آورد تا اینکه در نوجوانی زندانی می‌شود و در زندان با جهادی‌های سلفی آشنا شده و مسیر زندگی او تغییر می‌کند^[2]. او در بین جهادیون به شکلی افراطی دیگران را تکفیر کرده و می‌کشت تا جایی که اعتراض دیگر همفکران^[3] خود را بر می‌انگیزد.

2- حس قیام به زدودن منکرات از جامعه:

وقتی نمادهای غربی و ضد دینی در جامعه شیوع پیدا کرد عده ای احساس خطر می کنند و تصورشان این است که دین خدا در حال تعطیل شدن و نابودی است و می بایست برای نجات دین و جامعه کاری انجام داد.

در چنین شرایطی در فضای اهل سنت نوعاً به مباحث آخرالزمان پرداخته می شود و این مسائل را نشان از آخرالزمان می دانند و این بدان معناست که باید کاری کرد و درمقابل این اتفاقات ایستاد. از ابتدای تشکیل عربستان سعودی جدید افرادی که با عبدالعزیز بودند محصولات و دستاوردهای غربی و تکنولوژی مدرن را برنمی تابیدند و تفکر عبدالوهابی آنها همه این امور را مصداق بدعت می دانست تا جایی که عبدالعزیز مجبور به درگیری با آنها می شود. در نهایت او مخالفان را وادار به سکوت می کند و آنها هم به این استناد که ما تکلیف خود را انجام داده ایم و حال باید از حاکم اطاعت کرد سکوت می کنند اما بعد از گذشت تقریباً 30 سال مجدداً این احساسات انباشته شده در زمان ملک فیصل خود نمایی می کند و این مخالفتها شروع می شود تا اینکه به داستان جهیمان العتیبی و القحطانی و انتفاضه مسجد الحرام می انجامد.

شکل دیگر از این رفتار را می توان در کلمات سید قطب در کتاب تاریخ ساز خود، «معالم فی الطریق» مشاهده نمود که او هم فساد و فحشای موجود را بر نمی تابد و در نتیجه همین امر سبب تکفیر کسانی می شود که تن به چنین جامعه و زندگی داده باشند. گرچه شاید در ابتدا خود سید قطب دامنه این تکفیر را وسیع نداند اما افراد بعدی که در خط فکری او حرکت می کردند افراطی تر برخورد کرده و آنچنان دامنه تکفیر را باز کردند که جز خودشان مسلمانان باقی نگذاشتند. شکری مصطفی نمونه چنین اقدام و تفکری می باشد.

3- انحصارگرایی (حق دیدن خود):

برداشتهای کوتاه بینانه از متون دینی و آیات قرآنی و نیز استناد به سیره صحابه به فشری گرای خوارچی دامن می زند. این افراد تصور می کنند فهم آنها از متن دینی در غایت درستی و حقانیت است و دیگران بر خلاف شرعیت عمل می کنند پس به راحتی دیگران را مصداق* و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون*^[4] می دانند و کفر دیگران را اثبات می کنند.

تکفیر دیگران و تخریب آنان موجب شکوفایی حس تقرب به خدا در شخص می شود. وقتی دیگرانی که ادعای اهل اسلام بودن دارند از اسلام بیرون رانده شدند در نتیجه تنها گزینه باقی مانده در تحت چتر اسلام خود من هستم.

این روحیه را می توان به وضوح در کتاب «الجهاد الفریضة الغائیه» نوشته محمد عبدالسلام فرج، احساس نمود.

4- اقتدار گرایی:

شیعیان عدالت محور هستند و قسط و عدالت را هدف اصلی بعثت انبیاء می دانند. [51] الگوهای دینی در دیدگاه شیعه مصادیق بارز عدالت هستند. امام علی (ع) با عدالتش معرفی می شود و امام مهدی (عج) برای برپایی عدالت قیام خواهد کرد. حتی توقع شیعه از حاکم غیر معصوم هم اجرای حد اکثری عدالت است. در طول تاریخ هم عمده قیامهای شیعیان علیه حاکمان، در راستای عدالت خواهی بوده است.

اما در تلقی اهل سنت، که برگرفته از تاریخ اسلام است محوریت با مسئله اقتدار است. حاکم مطلوب و خوب کسی است که اقتدار بیشتری دارد و در بین خلفا و حکام صدر اسلام هم آنهایی که قدرت و اقتدار بیشتری دارند از محبوبیت بالاتری برخوردارند. این یکی از تفاوتهای عمده در میان شیعه و اهل سنت است.

با چنین ذهنیتی، تکفیر دیگران و صدور حکم در مورد آنها نوعی حس قدرت و اقتدار به شخص می دهد و موجب پیدایش نوعی احساس غرور و بزرگی در او می کند. خارج دانستن دیگران از دین و قیام برای از بین بردن آنها، شخص را در عداد بزرگان تاریخی خود قرار می دهد. شاید این یکی از مهمترین پس زمینه های ذهنی جهادیون تکفیری در دوران معاصر ما باشد از حرکت های شکل گرفته در مصر تا جهاد در افغانستان و دیگر کشورها و بعد در عراق و سوریه. این افراد با این اقدامات تکفیری و جهادی خود را در صف صحابه و مجاهدانی که سرزمینهای دیگر را فتح کردند و موجب شکوه اسلام- در تلقی اینان- شدند قلمداد می کنند.

بعد از داستان مشکوک یازده سپتامبر در آمریکا و طرح مسئله خاورمیانه بزرگ توسط نئو محافظه کاران آمریکایی و حمله به عراق و افغانستان، در شرایطی که بهت و ترس حکام عرب و جوامعشان را فراگرفته و با پیروزیهای حزب الله لبنان در مقابل اسرائیل و قدرت نمایی شیعه و ایران، و تار و مار شدن مجاهدان القاعده و سرخوردگی جهان اهل سنت، ظهور ابومصعب زرقاوی در عراق و کشتار مردم بخصوص شیعیان توسط او و تعبیرات خاص او از شیعه به عنوان مجوس و کافر و عدو قریب، عملاً او را برای طیف خاصی از جهان اهل سنت به یک قهرمان تبدیل می کند.

عمده افرادی که به این گروهها ملحق می شوند افرادی از طبقه پایین اجتماع هستند که راهی برای خودنمایی و جلب توجه دیگران به غیر گرویدن به این جریانهای تکفیری ندارند. به عبارت دیگر این تنها

دریچه ای است که می تواند به آنها شخصیت بدهد و حمایتی برای برخی دول عربی از آنان را جلب کند.

5- تکفیر، امری جذاب در فضای فقرزده عربی نجد:

طرح ایده تکفیر باقی مسلمانان توسط محمد بن عبدالوهاب موجب استقبال ابن سعود و اطرافیان او می شود. از انگیزه های روانی این افراد می توان به مبرریت این دیدگاه و فقر شدید حاکم بر عرب نجد و نیز روحیه بسیار خشن و ستیزه جوی آنها یاد کرد.

در شرایطی که اینان در فقر شدید مالی و فرهنگی به سر می برند و مشکلات زندگی صحرا، خود عامل خشن شدن رفتار و ذهن این افراد است و درک بالایی هم از دین وجود ندارد ایده تکفیر و مباح دانستن خون و اموال دیگر مسلمانان و غیر مسلمانان و عبید و اماء بودن مردان و زنان شان با آغوش باز پذیرفته و حمایت می شود. این تلقی که اگر کشته شوند در صف شهدا هستند و اگر پیروز شوند لذت های وسوسه کننده ای در انتظارشان خواهد بود از تلذذ بی حد و حصر از زنان گرفته تا غارت اموال و دارایی طرف مقابل، در نظر آنان مصداق عینی احادی الحسنین محسوب می شد.

6- تکفیر دیگران برای واکنش به خودیها:

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موجی از اسلام خواهی در جهان اسلام برانگیخته شد. اقشار و احزاب مختلف از اهل سنت که تحت فشار استعمار و حاکمان طالم و خود فروخته بودند رسیدن به الگویی اسلامی و دینی از حکومت را مانند رویایی شیرین ولی دست نیافتنی می دیدند. با پیروزی انقلاب در ایران بارقه امیدی در همه این قلبها برافروخته شد و خیل گسترده ای از جوانان و مذهبیهای کشورهای اسلامی علاقمند به ایران و انقلاب اسلامی شدند.

از همان زمان عمده تبلیغات کشورهایمانند سعودی در داخل عربستان و نیز در جهان اسلام متمرکز بر ضدیت و دشمنی با تشیع و ایران به عنوان مرکز ژئوپولیتیک شیعه شد و کتابهای زیادی در این راستا نوشته شده و در تیراژ گسترده ای توزیع شد. تلاش اینان برای جلوگیری از جذب شدن جوانان به تفکرات انقلابی و شیعی بود و از طرفی هر کسی را که قصد انقلاب و قیام علیه حاکمان داشت را متهم به شیعه بودن و شیعه گری می کردند و اینگونه از خود دفع خطر می نمودند.

درچنین شرایطی تکفیر شیعه موجب ثبات و پایداری این قدرتها می شد. بعلاوه با این شگرد، نیروهای مخالف و متخاصم داخلی را که از بدنه متعصب مذهبی بوده و همیشه هم وجود داشتند را می توانستند در خارج مرزهای خود به بهانه مبارزه با کفر، به تبلیغ و یا قیام مسلحانه علیه کافران و منافقان

بعد از پیروزی حزب الله لبنان در جنگ 33 روزه که موجب بهت و شگفتی جهان عرب شد و دلهای بسیاری از جوانان اهل سنت را شیفته حزب الله و شخص سید حسن نصرالله کرد، باز هم چنان واکنشهایی از سوی سران و علمای تندرو سلفی شدت گرفت.

گاه برخی حکام عرب برای بسط روابط خود با دولتهای غربی و برای خوش خدمتی بیشتر، در صدد همراه شدن با استعمارگران و مقابله با کشورهایی همچون ایران برآمدند و تکفیر هم بخشی از این سناریو بود. گرچه صرف تکفیر اهمیتی برای غربیها نداشت اما از آنجایی که این امر موجب منزوی شدن ایران و فکر شیعی در میان دیگر مسلمانان می شد مورد استقبال این ابرقدرتها بود.

7- تکفیر برای حذف رقیبان:

در چالشهای فکری و سیاسی و در تقابل منافع، یکی از شیوه های موثر برای کسانی که بر مذهبیها حکومت می کنند استفاده از ابزار دین است. وقتی جامعه گرایشات مذهبی شدید دارد می توان برای حذف دشمن و رقیب از ابزار دین استفاده کرد. نمونه بارز این واقعیت را می توان در درگیری «داعش» با «جبهه النصره لاهل الشام» دانست. زمانی که محمد الجولانی که خود از نیروهای ابوبکر بغدادی بوده عازم سوریه شده و بعد به «دولت اسلامی عراق» خیانت کرده - در تلقی ابوبکر بغدادی- و اعلام استقلال از آنها می کند، ابوبکر بغدادی برای حذف رقیب او را متهم به بیعت شکنی و کفر می کند و خون او را هدر می داند و همین مجوز حمله و کشتن کسانی می شود که تا دیروز در کنار یکدیگر علیه حکومت سوریه می جنگیدند.

8- تکفیر برای توجیه عقب ماندگیها و ارضای جهادگری:

عقب ماندگیها، ناکامیها و مشکلات اجتماعی مسلمانان سبب شد تا برخی از کسانی که از وضعیت موجود رنج می بردند گروهی دیگر از مسلمانان و خودیها را - علاوه بر دشمنان خارجی- متهم نمایند تا هم بار گناه را به دوش آنان بیاندازند و هم باورهای خاص آن گروه و مکتب را تخریب کرده باشند. نمونه بارز این رویکرد در سخنان ابن تیمیه و متهم کردن شیعیان به از بین بردن خلافت بنی عباس و همکاری با کفار مغول است. همین مطلب موجب می شود او شیعیان را هم در عداد همان کفار مغول بداند [6].

در دوران معاصر سرخوردگیهای تاریخی و حقارتهای گوناگون سبب شد تا نوعی جهاد طلبی و قیام در میان مسلمانان زنده شود. مصر بستر این انگیزشهاست. دیدگاه سید قطب در مورد جامعه جاهلی و کفر و

سپس کتاب «الجهاد الفريضة الغائبه» که توسط محمد عبدالسلام فرج نوشته مي شود، عامل اصلي عقب ماندگيها و بدبختيهاي جهان اسلام را از خود مسلمانان مي داند و از آنان به «عدوقريب» يا «دشمن نزديک» تعبير ميکند و جهاد با اينها را مقدم بر جهاد با «دشمنان دور» مي داند.

اين دیدگاه سبب مي شد تا با قيام عليه خوديها ، حس جهاد طلبي را در خود ارضاء کنند و خود را مجاهدان راه خدا بدانند و ديگران را متهم به کفرو بي ديني نمايند و علاوه بر اين، با دشمنان بزرگ هم روبرو نباشند. زيرا اگرقرار بود قدرتهاي غربي را دشمن ردیف اول بدانند، از طرفي جهاد برايشان مشکل مي شد و دشمن قدرتمند به راحتی آنها را حذف مي کرد در حالي که جهاد با مسلمانان جهاد راحت تر بود و از طرف ديگر با تکفير مسلمانان و جهاد با آنها، در بسياري مواقع از طرف غربيها مورد حمايت قرار مي گرفتند و از کمکهاي مختلف آنها بهره مند ميشدند.

10- پاي فشاري برعقايد خود:

يکي از ويژگيهاي دروني اسلام مقاومت و بقاي آن در در شرايط سخت و بحرانهاست . در دوران معاصر، «درميان اديان مختلف تنها اسلام بود که بر اصول خود و اصالتهايش پاي فشرد و در درون تمدن نوين هم نشد و به معارضة اي رودر روي پرداخت تا لا اقل در قلمرو خود، حاکميت خود را حفظ کند. ساختمان دروني اين دين به گونه اي است که معتقدانش رابه کوششي پيگير تحقق خود و طرد غير خود فرا مي خواند. يک مسلمان تا زماني که مسلمان است موظف است به اصول و مباني خود پاي بند باشد. اين لازمه فلاح ورستگاري اخروي و عزت و سريلندي دنيوي اوست» [17] .

همين مسئله از حيث رواني مي تواند در شرايطي که مسلمانان از ناحيه گروهی از خوديها احساس خطر مي کنند طرف مقابل را که تهديد تلقي ميشود متهم به خروج از دين نمايند تا باور خودشان به عنوان باور اصيل و اسلامي حفظ گردد.

11- تعصبات قومي وعربي:

تعصب شديد عربيها نسبت به قبيله خود در درون عربيها و تعصب بر عربيت خود در مقابل غير عرب، از دير باز سبب وقوع اتفاقات ناخوشايند بسياري در جهان اسلام شده است. يکي از تلاشهاي جدي پيامبر (ص) تلاش براي زدودن اين عقبه فکري از ذهن اعراب بود اما رسوخ اين مسئله در اعماق ذهن عرب قوي تر از آن بود که به آساني حذف و برداشته شود.

همين مسئله سبب مي شود که اعراب خود را مسلمان اصيل و درجه اول تلقي کنند و ديگر مسلمانان را

دردرجهای پایین تر قرار دهند. اگرچه پیدایش مذهب تشیع از خود جهان عرب و جامعه اسلامی آغاز می شود اما بی شک ایران و به تعبیری جامعه عجم، فضایی مناسب برای گسترش معارف عالییه و حقه اهل بیت پیامبر (ص) بود تا جایی که گاه اهل سنت، مکتب تشیع را زاییده دست ایرانیان در صدد تخریب اسلام اصیل معرفی نمودند و شیعه را با عناوینی همچون «مجوس» خطاب کردند غافل از اینکه ایران در ابتدا با اسلام سنی آشنا شد و بیشتر نقاط ایران مکتب اهل تسنن را پذیرفت تا جایی که پنج کتاب از شش کتاب حدیثی اهل سنت توسط ایرانیان نوشته می شود [8]. اما رفته رفته در اثر آشنا شدن با مکتب اهل بیت (ع)، آن را اصیل یافته و پذیرفت و مشکلات فراوانی را نیز در این راستا متحمل گردید. حتی امروز هم جریانهای تکفیری از ایران و تشیع با عنوان مجوس تعبیر می کنند [9].

12- نوع تلقی اهل سنت از پیامبر (ص) و صحابه:

شیعیان پیامبر خود را پیامبر دوستی و رحمت و عشق می دانند و در تعالیم خود او را انسانی دوستدار و عاشق انسانها معرفی می کنند. کسی که وقتی دشمنانش او را مورد ضرب و شتم قرار می دهند دست به درگاه الهی بلند کرده با لحنی پراز محبت می گوید خدایا اینان قوم من هستند و از روی جهالت چنین کردند پس تو بر آنان سخت مگیر و عذابشان مکن! [10] حتی در جایی که مجبور به جنگ است با اکراه چنین می کند و تمام تلاش او برای جلوگیری از کشتن انسانهاست. مصداق بارز این رویه در نوع اقدام ایشان در فتح مکه است.

اما در کتب روایی اهل سنت روایاتی وجود دارد که می توانند چهره ای متفاوت از پیامبر (ص) و دیگر صحابه عرضه نمایند. اینکه پیامبر خودش را مامور به ذبح بداند و برای ذبح مخالفان خود مبعوث شده باشد [11]. وقتی این آموزه ها در ذهن افراد مرتکز می شود تمایل و گرایش به خشونت و تکفیر دیگران در میانشان شدت می گیرد.

در نگاه شیعه، محبت و عشق ورزیدن به خاندان نبوت و اولیای دین و سرایت دادن این دوستی به بندگان مومن خدا، تاثیر بسزایی در تلطیف روحیه آنان دارد، چیزی که قرآن از آن به عنوان اجر رسالت یاد می کند. اما در تعالیم اهل سنت توجه چندانی به این نکته وجود ندارد و همین مسئله ذهن افراد را برای تکفیر و راندن دیگر مسلمانان و رفتار خشونت آمیز با آنان مستعد می کند.

13- ماجراجویی:

یکی از علل جذب تازه مسلمانان غربی به گروههای تکفیری وجود روحیه ماجراجویی در جوامع غربی است. در فرهنگ غرب تمایل زیادی به ماجراجویی و انجام کارهای پر خطر هست. عملیات اکتشاف غارهای طولانی و مخوف، سقوط از ارتفاع، بالا کشیدن از یک آسمان خراش، دست و پنجه نرم کردن با حیوانات

خطرناک، شنا در میان کوسه ها و ده ها و صدها نمونه دیگر از کارهای پر خطری که انجام آنها در آن فرهنگ جذابیت خاص خود را دارد. یکی از زمینه های روانی و ذهنی تازه مسلمانان غربی برای پیوستن به گروههای تکفیری و شرکت در عملیاتهای جهادی همین روحیه ماجراجویی در آنهاست.

البته نباید از نکته دیگری در مورد این طیف غافل شد و آن عبارتست از تلاش آنها برای انجام جهاد و نوعی از خود گذشتگی برای جبران گذشته خود.

جمع بندی:

فقر اقتصادی و فرهنگی، عدم درک درست از دین، تفسیر تاریخی دین و اقتدار گرایی، عقب ماندگی گسترده، انحصار گرایی، تعصبات قومی از مهمترین عوامل روانی و ذهنی تکفیر می باشند. درک درست و واقع بینانه از پدیده تکفیر و ذهنیات تکفیریها، عدم تحریک احساسات مذهبی این افراد، سعه صدر در برخورد با دیگر مسلمانان، وحدت و تعاملات برادرانه در بین سایر مذاهب اسلامی و برخورد هوشمندانه علمای دین و نیز دیگر عواملی که ذکر نشد همگی می توانند کمک شایانی به کنترل و محدود کردن پدیده تکفیر نمایند.

منابع:

- 1- قرآن کریم
- 2- «زمینه های تفکر سیاسی در قلمرو تشیع و تسنن» ، محمد مسجد جامعی ، چاپ اول ، انتشارات الهدی، سال 1369
- 3- ابراهیم نژاد، محمد، «داعش؛ دولت اسلامی عراق و شام» ، انتشارات دارالاعلام لمدرسه اهل البيت عليهم السلام
- 4- ابن تیمیه ، الفتاوی الکبری، کتابخانه دیجیتال الشامله
- 5- عبدالسلام فرج، محمد، الفریضه الغائبه ، نسخه دیجیتال

7- <http://www.fahimco.com/ShowArticle.aspx?ID=3938>

<http://Arabic.cnn.com/middleeast/2014/06/29/urgent-isis-declares-caliohate>

<http://www.fahimco.com/ShowArticle.aspx?ID=3938> [11]

[12] - ابراهيم نژاد، محمد، داعش، ص 14 به نقل از ، Riedel Buruce , AlQaeda for search The , 89-90 p

[13] - همان ص 25 به نقل از : the Islamists and the factor Zaraqawi , csis , 22/6/2006

[14] - المائدة (5) : 44

[15] - الحديد(57):25: *لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...*

[16] - الفتاوى الكبرى ص 286 و ص 288: « ولم يكن معهم (التتار) في دولتهم مولى لهم إلا من كان من شر الخلق إما زنديق منافق لا يعتقد دين الإسلام في الباطن — أي أن يظهر الإسلام — وأما من هؤلاء من هو شر أهل البدع كالرافضة والجهمية والاتجارية ونحوه — وهم أصحاب البدع — وإما من أفجر الناس وافسقهم وهم في بلادهم مع تمكنهم لا يحجون البيت العتيق وإن كان فيهم من يصلي ويصوم فليس الغالب عليهم إقامة الصلاة وإيتاء الزكاة... و من دخل في طاعتهم الجاهلية وسنتهم الكفرية كان صديقهم ، ومن خالفهم كان عدوهم ، ولو كان من أنبياء الله ورسله وأوليائه . »

[17] - مسجد جامعي ، محمد ، «زمينه هاي تفكر سياسي در قلمرو تشيع و تسنن» ، ص 18

[18] - چهار كتاب شيعه و مولفين آنها عبارتنداز:

(الف) اصول الكافي: محمد بن يعقوب كليني

(ب) من لا يحضره الفقيه : علي بن حسين بن بابويه قمي (صدوق)

(پ) تهذيب الاحكام: محمد بن حسن طوسي (شيخ طوسي)

(ت) الاستبصار: محمد بن حسن طوسي (شيخ طوسي)

هر سه عالم شهير نامبرده از ايران هستند. و اما صاحب سته اهل سنت عبارتند از:

(الف) صحيح بخاري: محمد بن اسماعيل بخاري

(ب) صحيح مسلم: مسلم بن حجاج قشيري نيشابوري

(پ) سنن ابن ماجه: محمد بن يزيد بن ماجه قزويني

(ت) سنن ابي داود: سليمان بن اشعث بن اسحاق سجستاني

(ث) سنن ترمذي: محمد بن عيسي بن سوره

(ج) سنن نسائي: احمد بن شعيب نسائي

هر پنج عالم اول از ايران بزرگ آن زمان هستند.

[9]- زرقاوي به كثر اين تعبير را به كار مي برد و نيز در بيانيه اعلان خلافت ابوبكر بغدادی از ايران و شيعيان به عنوان مجوس ياد شده است. <http://caliohate-declares-isisi-urgent/2014/06/29/middleeast/com.cnn.Arabic/>

[10]- اعلام الوري باعلام الهدی ص 82

[11] - استمعوا يا معشر قريش ، أما والذي نفس محمد بيده لقد جئتكم بالذبح - الفريضة الغائبة ، محمد عبدالسلام
فرج ص 3

